



بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با خانواده های سرداران شهید استان تهران - 17 اردیبهشت/ 1376

بسم الله الرحمن الرحيم

مجلس بسیار باشکوه و از لحاظ معنوی با عظمت است. عطر شهادت فضا را انباشته است و بحمدالله در این چند روز، فضای شهر تهران معطر به عطر یاد هزاران شهید عزیز و بزرگوار از این استان است. یقیناً فضیلت خانواده های مکرم شهدا از لحاظ عظمت، بلافاصله پشت سر فضیلت شهادت. شما خانواده ها، سنگرداران شهادت و مرزداران فضیلت در طول دوران دفاع مقدس بوده اید و روحیه شما و فرزندان شهدا - که همین حالا گوشه های زیبایی از آن را در سخنان مادر بزرگوار سه شهید و فرزند عزیز سردار شهید شنیدیم - توانسته است در طول دوران دفاع مقدس و بعد از آن، عظمت نظام اسلامی و روحیه والای ملت بزرگ ایران را حفظ کند و روحیه دشمنان را تضعیف نماید. من از برداران سپاه، به خاطر این اقدام که تجلیل از شهادت، خیلی متشکرم. همه باید تجلیل کنند. سپاه، ارتش، بسیج، جهاد و دستگاههای دولتی، باید یاد شهیدان را زنده بدارند و مفهوم شهادت - این مفهوم با عظمت و پرارزش و بسیار مؤثر - را در کشور ایران اسلامی و در میان ملت مبارز ایران احیا و حفظ کنند؛ اگر چه خون مطهر شهدای ما در سطح جهان، بار دیگر این مفهوم را احیا کرد.

آنچه که مهم است، حفظ راه شهادت؛ یعنی پاسداری از خون شهدا. این، وظیفه اول ماست. در قبال شهدا، همه هم موظفیم. نه این که بعضی وظیفه دارند و بعضی ندارند. البته کسانی که مسؤولیتی دارند و شانه های آنها زیر بار مسؤولیتهای بزرگ یا کوچک قرار گرفته است، وظیفه بیشتری دارند.

شهید، چیز عظیم و حقیقت شگفت آوری است. ما چون به مشاهده شهدا عادت کرده ایم و گذشتهها و ایثارها و عظمتها و وصایا و راهی که آنها را به شهادت رساند، زیاد دیده ایم، عظمت این حقیقت نورانی و بهشتی برایمان مخفی می ماند؛ مثل عظمت خورشید و آفتاب که از شدت ظهور، برای کسانی که دائم در آفتابند، مخفی می ماند. در دوران گذشته، وقتی که یک نمونه از این نمونه های شهدای امروز ما، از تاریخ صدر اسلام انتخاب و معرفی می شد و شرح حال او بیان می گردید، تغییر واضح و شگفت آوری در دلها و جانها و حتی در همها و نیتها به وجود می آورد. هر یک از این ستارگان درخشان، می تواند عالمی را روشن کند. بنابراین، حقیقت شهادت حقیقت عظیمی است.

اگر این حقیقت، به وسیله کسانی که امروز در قبال شهیدان مسؤولیت دارند، زنده بماند، حفظ و تقدیس گردد و بزرگ نگاه داشته شود، همیشه تاریخ آینده ما، از این ایثار بزرگی که آنان کردند، بهره خواهد برد. همچنان که تاریخ بشریت، هنوز از خون به ناحق ریخته سرور شهیدان تاریخ، حضرت ابی عبدالله الحسین علیه الصلوة والسلام بهره می برد؛ چون کسانی که وارث آن خون بودند، مدبرانه ترین و شیواترین روشها را برای زنده نگهداشتن این خون به کار بردند.

گاهی رنج و زحمت زنده نگهداشتن خون شهید، از خود شهادت کمتر نیست. رنج سی ساله امام سجّاد علیه الصلوة والسلام و رنج چندین ساله زینب کبری علیهاسلام از این قبیل است. رنج بردند تا توانستند این خون را نگه بدارند. بعد از آن هم همه ائمه علیهم السلام تا دوران غیبت، این رنج را متحمل شدند. امروز، ما چنین وظیفه ای داریم. البته شرایط امروز، با آن روز متفاوت است. امروز بحمدالله حکومت حق - یعنی حکومت شهیدان - قائم است. پس، ما وظایفی داریم.

در جمعبندي، انسان به این نتیجه می رسد که شهیدان، دو موضعگیری و دو حرکت زیبا و باشکوه از خودشان نشان دادند که هر کدام پیامی دارد. این دو موضعگیری، یکی در قبال ذات مقدس ربوبی، در قبال اراده الهی، در قبال دین خدا، در قبال بندگان خدا و مصالح آنهاست؛ یک موضعگیری هم در مقابل دشمنان خداست. یعنی اگر شما رفتار و



روحیه و موضع شهید را تحلیل کنید، به این دو موضعگیری می‌رسید. موضعگیری در قبال خدا و بندگان خدا و امر خدا و آنچه که مربوط به ذات مقدس پروردگار است، عبارت از گذشت است. شهید در قبال خدا، گذشت و ایثار کرده است. ایثار، یعنی ندیدن و به حساب نیآوردن خود. این، اولین موضعگیری شهید است. اگر او خود را به حساب می‌آورد و در معرض نابودی و خطر قرار نمی‌داد، به این مقام نمی‌رسید. این جوانانی که در جبهه‌های جنگ، در گرمای خوزستان، در زیر آفتاب شصت و پنج درجه حرارت و یا در سرمای کردستان، بر روی کوه‌هایی پر از برف، رفتند و جان را فدا کردند، همه شان خانه داشتند، زندگی داشتند، پدر و مادر مهربان داشتند، بعضی همسر عزیز و نازنین داشتند، بعضی فرزندان و جگر گوشگان داشتند، آسایش داشتند، آرزو داشتند؛ اما همه را گذاشتند و رفتند.

ما که می‌خواهیم پیام آنها را بگیریم، پیامشان چیست؟ پیام این است که اگر می‌خواهید خدا را از خودتان راضی کنید و وجودتان در راه خدا مفید واقع شود و مقاصد و اهداف عالی ربوبی و الهی درباره عالم آفرینش تحقق پیدا کند، باید خودتان را در مقابل اهداف الهی ندیده بگیرید. تکلیف ما لایطاق هم نیست؛ تا آن جایی که می‌شود. هر جایی که گروهی از انسانهای مؤمن این کار را کردند، کلمه خدا پیروز شد. هر جایی هم که بندگان مؤمن خدا پایشان لرزید، بدون برو برگرد، کلمه باطل پیروز شد.

در انقلاب، بندگان مؤمن خدا که این ایثار و گذشت را کردند، انقلاب پیروز شد. کاری شد که هیچ تحلیگری پیش بینی نمی‌کرد که بشود؛ یعنی اقامه حکومت اسلام، حکومت دین؛ آن هم در این نقطه عالم. چه کسی فکر می‌کرد؟ چه کسی باور می‌کرد؟ اما به برکت این حرکت شهیدان و مؤمنان و ایثارگران، این کار نشدنی انجام شد؛ چون جمع برگزیده و گروه قابل توجهی از مؤمنان، - نمی‌گوییم همه - خود را نادیده گرفتند. همه باید سعی کنند که جزو این گروه باشند، تا این افتخار متعلق به آنها باشد.

هر جایی که این گذشت نبود - مثل آن جاهایی که نیست؛ مثل در طول تاریخ که نیست؛ مثل دوران امام حسین علیه الصلوة والسلام که اکثریت قاطع زیدگان و خواص و مؤمنان شانه خالی کردند و ترسیدند و عقب رفتند - کلمه باطل پیروز شد، حکومت یزید سر کار آمد، حکومت بنی امیه نود سال سر کار آمد، حکومت بنی عباس پنج، شش قرن سرکار آمد و ماند. به خاطر آن که این گذشت انجام نشد، مردم چه کشیدند! جوامع اسلامی چه کشیدند! مؤمنین چه کشیدند!

صحنه، صحنه روشنی است. عزیزان من! همه دوران زندگی ما، جنگ احد است. اگر خوب حرکت کردیم، دشمن شکست خواهد خورد؛ ولی به مجرد این که چشممان به غنائم افتاد و دیدیم چهار نفر غنیمت جمع می‌کنند، ما هم حسودیمان شد، سنگر را رها کردیم و به سمت غنیمت رفتیم، ورق برمی‌گردد. دیدید که در جنگ احد ورق برگشت! در طول تاریخ اسلام، جنگ احد تکرار شده است.

فرمانده الهی آشنای با صفحه حقیقت، با آن دل نورانی، این عده را این جا گذاشته و گفته است که شما از این جا تکان نخورید و پاسداران جبهه باشید؛ اما تا چشمشان افتاد و دیدند که چهار نفر آن پایین غنیمت جمع می‌کنند، پای اینها هم لرزید. البته اگر با تک تک آنها صحبت می‌کردید، می‌گفتند ما هم بالاخره آدمیم، ما هم دل داریم، ما هم خانه و زندگی می‌خواهیم. بله؛ اما دیدید که با این تسلیم شدن در مقابل خواسته‌های حقیر بشری، چه اتفاقی افتاد! دندان پیامبر شکست؛ بدن مبارک آن حضرت مجروح شد؛ جبهه حق مغلوب شد؛ دشمن پیروز گردید و چقدر از بزرگان اسلام شهید شدند.

پیام شهیدان این است که تسلیم و سوسه غنیمت نشوید. پیام آنها به من و شما و همه کسانی که به این خونهای به ناحق ریخته مطهر احترام می‌گذارند، همین است. شما نگاه نکن که یک نفر تخلف می‌کند و سراغ جمع کردن غنیمت رفته است. «لا یضركم من ضلّ اذ اهتديتم». شما چه کاری که دیگری گمراه شد؟ شما خودت را نگهدار و



حفظ کن. دستور اسلام و پیام خون شهید، این است.

آن روزی که همین شهدای عزیز ما در جبهه به شهادت رسیدند، همه که به جبهه رفتند؛ عده‌ای هم بودند که مشغول کاسبی شدند، عده‌ای هم مشغول پول در آوردن شدند، عده‌ای هم مشغول سوء استفاده شدند، عده‌ای هم مشغول خیانت شدند. این شهدا، بدون آن که به آنها اعتنا کنند، رفتند و نتیجه این شد که توانستند نظام اسلامی را حفظ کنند و امروز هر کدام یک ستاره و یک خورشیدند. بنابراین، پیام اول این است که در قبال خدای متعال، در قبال بندگان، در قبال اراده الهی، باید انسان خود را نشناسد. این پیام را باید بگیریم. عزیزان من! با این حقایق نمی‌شود شوخی کرد. اینها از انسان تحرک و تصمیم می‌طلبد.

پیام دوم، در مقابل دشمنان خداست؛ یعنی استقامت، ایستادگی مطلق، از دشمن نترسیدن، از دشمن حساب نبردن، در مقابل دشمن به انفعال دچار نشدن. این خیلی مهم است که انسان در مقابل دشمن، دچار انفعال نشود. تمام سعی امروز دنیای مادی مستکبر - یعنی همین دولتهای استکباری که زمام مسائل اقتصاد و تسلیحات عالم و حتی در موارد بسیاری، فرهنگ خیلی از کشورها را هم در دست دارند - این است که هر جا مقاومتی هست، آن را از طریق منفعل کردن خرد کنند. انفعال در مقابل دشمن، غلطترین کار و بزرگترین اشتباه است. دشمن را از لحاظ دشمنی، باید به حساب آورد؛ یعنی در مقابل او، او را حقیر نشمرد و در برابرش آماده بود و دفاع کرد؛ اما از دشمن نباید حساب برد، نباید تحت تأثیر قرار گرفت و نباید در مقابلش منفعل شد. دشمن می‌خواهد جوامع را منفعل کند. امروز از لحاظ فرهنگی و سیاسی، بیشترین تکیه آنها این است. راجع به قضیه زن جنجال درست می‌کنند؛ راجع به حقوق بشر جنجال درست می‌کنند؛ راجع به مسأله دموکراسی جنجال درست می‌کنند؛ راجع به مسأله نهضتهای آزادیبخش جنجال درست می‌کنند، برای این که طرف مقابل را دچار انفعال کنند. بزرگترین اشتباه این است که ما در این قضایایی که آنها جنجال درست می‌کنند، طوری حرف بزنیم که بخواهیم آنها را راضی کنیم. این، همان انفعال است.

خیلی خطاست که ما در زمینه مسائل حقوق بشر، طوری حرف بزنیم که آنها راضی شوند. همان کسانی که خودشان برای حقوق بشر - به معنای حقیقی - هیچ ارزشی قائل نیستند؛ اما آن را چماقی کرده‌اند که بر سر جاهایی بکوبند! آمریکا، سردمدار حقوق بشر در دنیا شده است! قبل از شروع جنگ، از نظر آمریکا، دولت عراق در خدمت دولتهای حامی تروریسم بود. در سالهای شصت و یک و شصت و دو رزمندگان سلحشور ما توانستند دشمن را به زانو در آورند و او را از مرزها عقب برانند و دشمن بعثی مجبور شد برای مقابله با ما، از سلاح شیمیایی و سلاحهای کشتار جمعی استفاده کند - یعنی جنایت جنگی بکند - در همان اوقات، دولت آمریکا احساس کرد که باید جبهه عراق را حمایت کند، تا دولت بعثی بتواند نقش خیانت آمیز خود را در مقابل نظام جمهوری اسلامی ایفا نماید. در همان سالها که دولت عراق سلاح شیمیایی به کار برد، اینها اسم عراق را از فهرست دولتهای حامی تروریسم خارج کردند! مسأله حمایت اینها از حقوق بشر، چنین است!

بزرگترین پشتوانه نقض حقوق بشر در هر جای دنیا که مشاهده شود، همین دولتهای مستکبر - امثال آمریکا - هستند. آن وقت اینها داعیه دار حقوق بشر می‌شوند و آن را برای ملتها و دولتهایی که می‌خواهند با آنها در بیفتند، چماقی می‌کنند! اگر از این طرف کسانی بیایند طوری در باب حقوق بشر حرف بزنند، برای این که او را راضی کنند، این خیلی سیاست غلطی است. این، یعنی انفعال در مقابل دشمن.

درباره مسأله زن نیز همین طور است. بعد از اقامه دولت حق، به فضل الهی زنان کشور اسلامی ایران توانستند شخصیت حقیقی خودشان را تا حدود زیادی پیدا کنند، در میدانهای گوناگونی حضور یابند و عظمت روحیه زن مسلمان را نشان دهند، که شما نمونه اش را در وضع این مادر شهید و مادران عزیز و دلاور سایر شهدا دیدید و می‌بینید. من هر جا که با مادران شهدا مواجه شده‌ام، آنها را حتی از پدران شهدا هم قویتر دیده‌ام. غالباً نمونه اش را در



روحیه این مادران بزرگوار و شجاع می‌توانید ببینید. این، عظمت زن مسلمان در میدانهای سیاسی و فرهنگی است. آن وقت اینها می‌آیند و درباره تزییع حقوق زن در جمهوری اسلامی، قلمفرسایی و جوّسازي می‌کنند. اگر ما بیاییم برای این که آنها را راضی کنیم، درباره زن طوری حرف بزنیم که با نظر اسلام - که مایه عزّت زن است - مخالف باشد، خطاست. چرا باید کسانی در زمینه زن، یا در زمینه حقوق بشر، طوری حرف بزنند که گویی ما باید بکوشیم خودمان را با نقطه نظرهای غربیها نزدیک و آشنا کنیم؟ آنها اشتباه می‌کنند. آنها باید نقطه نظرهای خود را به ما نزدیک کنند. آنها باید نسبت به مسأله زن و حقوق بشر و آزادی و دموکراسی، نقطه نظرهای غلط و باطل خودشان را تصحیح کنند و با نظرات اسلامی مواجه نمایند؛ نه این که عده‌ای از این طرف دچار انفعال شوند. پیام دوم شهید - که خودش نیز همین طور عمل کرده است - استقلال اسلامی، ایستادگی اسلامی، هضم نشدن در مقابل دشمن، نترسیدن از دشمن، قدرت پوشالی دشمن را به حساب نیاوردن، عظمت اتکای به نفس و توکل به خدا را در همه امور زندگی فهمیدن و تشخیص دادن است. ملت ایران، در همه قضایا این را نشان داده است؛ بعد از این هم باید نشان دهد. ملت ایران نشان داده است که به هیچ وجه حاضر نیست در مقابل پروبیهها و افزون طلبیها و طلب کاریهای دشمن، یک قدم عقب نشینی کند و مبانی اسلامی را به خاطر دیدگاههای دشمن و راضی کردن او، رها سازد و کنار بگذارد. این، خوب رویه‌ای است. در همین قضایای مهم جاری روز، در زمینه مسائل سیاست خارجی، در زمینه مسائل انتخابات ریاست جمهوری، بحمدالله ملت ایران مواضع خوبی نشان داده است و نشان خواهد داد. در همه این قضایای سیاسی یا فرهنگی، دشمن می‌کوشد برای خود جای پا باز کند و وارد معنای ذهنی فرهنگی ملت ایران شود. ملت ایران هم محکم ایستاده است و باید بایستد. حتی دیده شده است که دشمنان نسبت به کاندیداهای ریاست جمهوری اظهار نظر می‌کنند، حرف می‌زنند، تحلیل می‌کنند. می‌گویند این فرد به غرب نزدیکتر است، این فرد از اسلام بیشتر دفاع می‌کند، آن شخص کمتر دفاع می‌کند! یعنی دشمنان می‌خواهند در همه امور دخالت کنند. ملت ایران در همه این میدانها، بر اصول اسلامی پای خواهد فشرد. این را همه دنیا باید بداند. از جمله این اصول، ایستادگی در مقابل استکبار و روحیه استکباری دولتهایی است که می‌خواهند در مسائل داخلی کشور ما جای پای باز کنند و دخالت نمایند؛ ولی ملت ما با دقت نگاه خواهد کرد و باید دقت کند. اگر کسی از نامزدهای ریاست جمهوری، کمترین نشانه نرمشی در مقابل امریکا، در مقابل دخالتهای دولتهای غربی، در مقابل تجاوزهایی فرهنگی و سیاسی بیگانگان نشان دهد، همه دنیا باید بدانند که ملت ما به چنین کسی قطعاً رأی نخواهد داد. مردم به کسی رأی می‌دهند که بداند در مقابل امریکا و افزون طلبیهای دولتهای متجاوز و پرتوقع و خودکامه و کسانی که می‌خواهند اراده خود را بر ملت ایران تحمیل کنند، خواهد ایستاد و نیز در مقابل تهاجم فرهنگ بیگانه ایستادگی خواهد کرد. مردم به کسی که بیشتر این مواضع را از او ملاحظه کنند، بیشتر گرایش پیدا می‌کنند. البته ما متن مردم را می‌گوییم. ممکن است در گوشه‌ای، چهار نفر آدم هم باشند که دارای سلیق مخصوصی باشند و عکس متن مردم فکر کنند. ما به آنها کاری نداریم. متن ملت ایران، این است. مواضع ملت ایران، همان مواضعی است که به خاطر آن انقلاب کرده، هجده سال مقاومت کرده و هشت سال جنگ تحمیلی را اداره کرده است. این را باید همه مردم دنیا بدانند و خواهند دانست. من از تفضلات الهی و توجهات خاصّ حضرت ولی‌الله الاعظم ارواحنا فداء و ادعیه زاکیه روح مطهر امام بزرگوار اطمینان دارم که پروردگار کمک خواهد کرد و در این تجربه هم مردم ان شاءالله آنچه را که به صلاح دین و دنیای آنهاست، همان را پیش خواهند برد و ان شاءالله ملت ایران به لطف پروردگار، شاهد دوران دیگری از پیشرفت و ترقی خواهد بود.

امیدواریم که ارواح طیبه شهدا، هم از همه ما شاد باشند؛ هم ان شاءالله در پیشگاه پروردگار برای پیشرفت اهداف عالی اسلامی دعا کنند و هم برای ملت ایران، درخواست لطف و تفضل بیشتر الهی داشته باشند.

والسلام علیکم ورحمةالله و برکاته